

روضۃ الریاحین

در احوال شیخ جام (زنده پیل)
و فرزندان و اعقاب وی

درویش علی بوزجانی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

دکتر حسن نصیری جامی



ژوهرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روضة الراحين

در احوال شیخ جام (ژنده پیل)
و فرزندان و اعقاب وی

درویش علی بوزجانی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

دکتر حسن نصیری جامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

روضة الرياحین

در احوال شیخ جام (ژنده پیل)

و فرزندان و اعقاب وی

مؤلف: درویش علی بوزجانی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر حسن نصیری جامی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

اجرای جلد: فرزانه صادقیان

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: فرشویه

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: بوزجانی، درویش علی، قرن ۱۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور: روضةالریاحین: در احوال شیخ جام و فرزندان و اعقاب وی/درویش علی بوزجانی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات حسن نصیری جامی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: چهل و شش، ۴۰۰ ص. بدول.

شابک: 978-964-426-901-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۸۷] - ۴۰۰.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: در احوال شیخ جام و فرزندان و اعقاب وی.

موضوع: ژنده پیل، احمد بن ابوالحسن، ۴۴۱ - ۵۳۶ ق.

Ahmad Jam

موضوع: عارفان -- سرگذشتنامه

Mystics -- Biography

موضوع: سرگذشتنامه -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Biography -- Early works to 1800

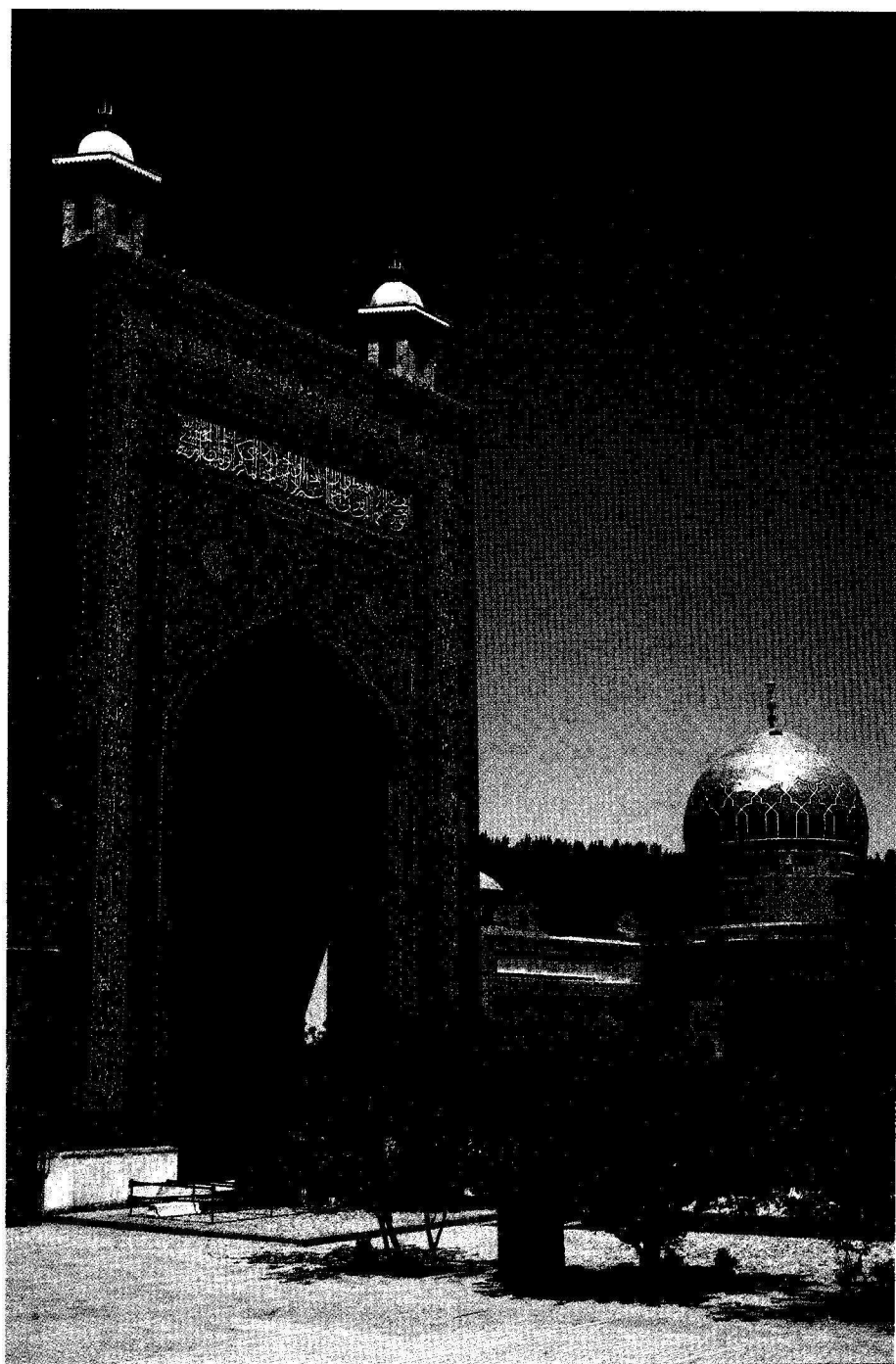
شناسه افزوده: نصیری جامی، حسن، ۱۳۴۵ -، مصحح، مقدمه نویس

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ب۹/۳۹ BP۲۷۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۸۱۴



آرامگاه شیخ احمد جام (زنده پیل) - تربت جام

تقديم به:

پژوهشگر و مصحح خردورز احوال شيخ جام

دکتر حشمت مؤيد سنندجی

فهرست

سیزده	اول دفتر
	مقدمه:
نوزده	- درباره مؤلف کتاب
بیست و یک	- آثار بوزجانی
بیست و چهار	- درباره این کتاب
سی و هشت	- معرفی نسخه‌ها و روش تصحیح
۲۳۰ - ۱	متن «روضۃ الراحین»
۳	مقدمه مصنف
۲۰ - ۵	مقدمه: مشتمل بر چهار فصل
۵	فصل اول: در بیان حاجت به صحبت پیران کامل
۹	فصل دوم: در بیان معنی کرامت و اقسام آن
۱۳	فصل سوم: در بیان معنی ولی و ولایت و علامت آن
۱۷	فصل چهارم: در بیان اوصاف ولی
۹۴ - ۲۱	مقصد اول: در بیان احوال و مقامات و خوارق عادات و حکایات
۲۳	مقدمه مقصد اول
۲۵	ذکر انواع خیرات شیخ الاسلام احمد
۲۵	ذکر القاب حضرت شیخ الاسلام احمد
۲۶	ذکر نسب شریف شیخ الاسلام احمد
۲۸	ذکر حلیه و صورت شیخ الاسلام احمد

- ۲۹ ذکر لباس شیخ الاسلام احمد
- ۲۹ ذکر اولاد و ازواج شیخ الاسلام احمد
- ۳۰ ذکر تاریخ ولادت شیخ الاسلام احمد
- ۳۰ ذکر مصنفات شیخ الاسلام احمد
- ۳۲ ذکر خرقه شیخ الاسلام احمد
- ۳۴ ذکر اوایل حال شیخ الاسلام احمد
- ۳۵ ذکر توبه شیخ الاسلام احمد
- ۳۷ ذکر رفتن شیخ الاسلام به کوه نامق و آغاز ریاضت
- ۳۸ ذکر طلب کردن نفس از شیخ الاسلام خانه ای گرم
- ۴۰ ذکر طلب کردن نفس از شیخ الاسلام زردآلو و ...
- ۴۲ ذکر نقار شیخ ابوطاهر از شیخ الاسلام و آمدن خضر
- ۴۲ ذکر حواله کردن شیخ الاسلام «خواجه ابوالقاسم گرد» را
- ۴۴ ذکر حواله کردن شیخ الاسلام «احمد جامع» را بر آشیان
- ۴۴ ذکر واقعه دیدن شیخ الاسلام «سنجر» را
- ۴۴ ذکر آمدن مردان غیب و رفتن شیخ الاسلام به مرو
- ۴۷ ذکر عنان گرفتن شیخ الاسلام «سلطان سنجر» را در هزیمت
- ۴۸ ذکر دیدن شیخ الاسلام «زاهد ترسا» را در کوه روم
- ۴۹ من النصایح [شیخ الاسلام احمد]
- ۴۹ ذکر شنیدن شیخ الاسلام ندای غیب و آمدن او به میان خلق
- ۵۰ ذکر ساختن شیخ الاسلام مسجد نور را و اظهار کرامت
- ۵۱ ذکر رفتن شیخ الاسلام احمد به سرحد سرخس
- ۵۱ [داستان شیخ و قاضی سرخس]
- ۵۲ [داستان نزاع شیخ با امام محمد منصور]
- ۵۶ ذکر ساکن شدن شیخ الاسلام به معدآباد جام
- ۵۶ ذکر آمدن سلطان سنجر به معدآباد جام به زیارت شیخ الاسلام
- ۵۷ ذکر نزاع طغول تکین با شیخ الاسلام و کشتن سواران غیب او را

- ۵۹ [مکتوب شیخ الاسلام به سلطان سنجر]
- ۵۹ ذکر آمدن ائمه نیشابور به خدمت شیخ الاسلام
- ۶۱ ذکر رفتن شیخ الاسلام به نیشابور و اظهار کرامت
- ۶۴ ذکر امتحان کردن ائمه نیشابور شیخ الاسلام را
- ۶۴ ذکر دام نهادن شیخ الاسلام در کوه
- ۶۴ ذکر دیدن شیخ الاسلام قطب زمان را بر کوه قاف
- ۶۵ ذکر رفتن شیخ الاسلام به هرات و ظاهر شدن چندین کرامات
- ۶۶ ذکر بینا گردانیدن چشم کودک
- ۶۷ [داستان آب گشتن مروارید و ...]
- ۶۹ ذکر رفتن شیخ الاسلام به جانب چشت و آمدن سلطان مودود
- ۷۱ ذکر رفتن شیخ الاسلام به مرو و مناظره نصرک با داعی ملاحظه
- ۷۲ [داستان قیام شیخ بر ضد ملحدان در مرو]
- ۷۴ ذکر رفتن شیخ الاسلام به زیارت بیت الله الحرام
- ۷۶ ذکر دعای شیخ الاسلام
- ۷۷ ذکر قصه خواجه شهاب الدین وزیر
- ۸۰ ذکر قصه قاضی ابوسعید و امام اشرف
- ۸۲ ذکر وفات شیخ الاسلام احمد
- ۸۲ ذکر خواجه ظهیر الدین بیهقی
- ۸۳ ذکر خواجه امام [علی هیصم]
- ۸۴ ذکر امام علی تایبادی
- ۸۶ ذکر خواجه عمر بوزجانی
- ۸۶ ذکر اهلا و سهلای سرخسی
- ۸۸ ذکر شیخ احمد ترخستانی
- ۸۸ ذکر امام محمد غزنوی
- ۹۰ ذکر خواجه رضی الدین تایبادی
- ۹۱ ذکر شیخ علی نیشابوری

- ۹۱ ذکر خواجه احمد عمر
- ۹۳ ذکر خواجه ابوالحسن [صلاح]
- ۹۴ [خاتمه مقصد اول]
- ۱۸۴-۹۵ مقصد دوم:
- در شرح فضایل و شمایل و حالات و کرامات اولاد شیخ
- ۹۷ مقدمه مقصد دوم
- ۹۹ [مکتوب زین الدین ابوبکر تایبادی به امیر تیمور]
- ۱۰۳ ذکر اسامی اولاد صلبی شیخ الاسلام احمد
- ۱۰۷ ۱. ذکر شیخ الاسلام خواجه برهان الدین نصر
- ۱۱۵ ۲. ذکر شیخ الاسلام خواجه [رشید الدین] عبدالرشید
- ۱۱۷ ۳. ذکر شیخ الاسلام جمال الدین ابوالفتح
- ۱۱۸ ۴. ذکر شیخ الاسلام خواجه صفی الدین محمود
- ۱۱۸ ۵. ذکر شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد
- ۱۲۰ ۶. ذکر شیخ الاسلام خواجه فخر الدین ابوالحسن
- ۱۲۱ ۷. ذکر شیخ الاسلام خواجه نجم الدین [ابوبکر]
- ۱۲۱ ۸. ذکر شیخ الاسلام خواجه ضیاء الدین یوسف
- ۱۲۴ ۹. ذکر شیخ الاسلام خواجه عماد الدین عبدالرحیم
- ۱۲۶ ۱۰. ذکر شیخ الاسلام خواجه شمس الدین مطهر
- ۱۲۷ ۱۱. ذکر شیخ الاسلام خواجه بدر الدین صاعد
- ۱۲۸ ۱۲. ذکر شیخ الاسلام خواجه حمید الدین عبدالله
- ۱۲۹ ۱۳. ذکر شیخ الاسلام خواجه ظهیر الدین عیسی
- ۱۳۲ ۱۴. ذکر شیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسماعیل
- ۱۳۳ ۱۵. ذکر خواجه رضی الدین احمد
- ۱۳۴ ۱۶. ذکر خواجه سراج الدین احمد
- ۱۳۴ [ذکر هبة الرحمان]

۱۳۵. ذکر خواجه عبدالکریم
۱۳۷. ذکر خواجه مختار
۱۳۸. ذکر شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد
۱۴۶. مکتوب خواجه قطب الدین محمد
- ۲۰ و ۲۱. ذکر خواجه صفی الدین محمود
۱۴۹. و برادر وی ابن یامین
۱۵۱. ذکر شیخ الاسلام شهاب الدین اسماعیل
۱۵۸. ذکر خواجه شمس الدین مطهر
۱۵۹. ذکر خواجه رضی الدین احمد متوکی
- ۲۵ و ۲۶. ذکر خواجه معین الدین
۱۵۹. و خواجه غیاث الدین
۱۶۰. ذکر خواجه ضیاء الدین یوسف
۱۶۱. ذکر خواجه شهاب الدین اسماعیل
۱۶۲. ذکر خواجه شهاب الدین ابوالمکارم
۱۶۳. ذکر خواجه شهاب الدین عمر
۱۶۵. ذکر خواجه جلال الدین محمود بلند
۱۶۶. ذکر خواجه معز الدین خلیل الله
۱۶۷. ذکر خواجه قطب الدین یحیی [جامی] نیشابوری
۱۶۹. ذکر خواجه رضی الدین احمد
۱۶۹. ذکر خواجه شمس الدین محمد کوسویی
۱۷۳. ذکر خواجه قطب الدین محمد زاهد
۱۷۳. ذکر خواجه علاء الدین محمد کوسویی
۱۷۵. ذکر خواجه عزیز الله
۱۸۳. [خاتمه کتاب]

۲۱۰ - ۱۸۵

ملحقات:

۱۸۷

- ضمیمه مقصد اول

۲۰۵

- ضمیمه مقصد دوم

۳۳۲ - ۲۱۱

تعلیقات:

۳۹۹ - ۳۳۳

فهرست‌ها:

۳۳۵

فهرست آیات

۳۳۷

فهرست اخبار و احادیث

۳۳۹

فهرست اقوال مشایخ و اهل معرفت

۳۴۰

فهرست کتاب‌ها و آثار

۳۴۱

فهرست اشعار

۳۴۹

فهرست اصطلاحات عرفانی و خانقاهی

۳۵۷

فهرست لغات و اصطلاحات مهم

۳۶۵

فهرست اعلام / مکان‌ها

۳۶۷

فهرست اعلام / اشخاص

۳۷۵

راهنمای تعلیقات

۳۸۴

جدول تطبیقی حکایات

۳۸۷

فهرست منابع

اول دفتر

کتابی که پیش روی شماست یکی از آثار برجسته و نام آشنا در حوزه «شیخ جام پژوهی» به شمار می رود و اطلاعاتی مهم و مغتنم درباره شیخ جام و فرزندان و فرزندزادگان وی ارائه می دهد؛ اثری ست خاندانی که هم از احوال و مقامات و کرامات شیخ جام تکریماً سخن به میان می آورد و هم اختصاصاً به سیره و احوال فرزندان و اعقاب نامدار شیخ تا عصر مؤلف می پردازد.

این کتاب کوششی خانقاهی است در ادامه سیر مقامات نویسی برای شیخ جام، و طبعاً پس از کتاب های «مقامات ژنده پیل» سدیدالدین محمد غزنوی و «خلاصة المقامات» ابوالمکارم جامی قرار می گیرد. مسلماً در این سیر و ترتیب، «فضل تقدّم» با سدیدالدین غزنوی و ابوالمکارم جامی است و بوزجانی از آبشخور آن آثار غنی و انباشته از احوال و کرامات شیخ جام بی نصیب نبوده و خود نیز بارها با تواضع و ادب به این بهره ها و برداشت ها اشاره داشته است.

اما آنچه روضة الراحین را در جایگاهی والاتر و ارجمندتر قرار می دهد و به مرتبه «تقدّم فضل» می رساند همانا «نوجویی» و «نوآوری» مؤلف است، نوجویی در طرح و ساختار و جُستن طرحی تازه برای بیان احوال و مقامات شیخ، و نوآوری در ثبت و آوردن اطلاعاتی تازه درباره شیخ و فرزندان وی.

بنابر این، روضة الراحین هم کتاب مقامات شیخ است و هم کتاب خاندانی وی؛ سگه ای مغتنم که رویی در سیره ژنده پیل دارد و روی دیگر در احوال خاندانی و خانقاهی وی. مسلماً این جامعیت و گرانباری برای پژوهشگران و علاقه مندان این حوزه مغتنم و درخور توجه است و مطالعه طرحی تازه در بیان مقامات شیخ جام همان اندازه می تواند دلکش و زیبا باشد که سخن ها و اطلاعات تازه مؤلف درباره خاندان (فرزندان و اعقاب) وی.

چهارده - روضة الريحان

البته روضة الريحان از نگاهی دیگر نیز ارزشمند است، درویش علی بوزجانی در تدوین و تألیف اثر حاضر از مجموعه آثار خاندانی و خانقاهی شیخ جام بهره برده است حتی آثاری که اکنون بی نشان هستند و نامی از آنها باقی ست، از جمله کتابی به نام «مقامات الاولاد». این کتاب مقاماتی گم شده و از دست رفته درباره شیخ و به ویژه فرزندان و اعقاب وی است. آنچه از این مقامات فعلاً در اختیار ماست همین آورده ها و اشاره های مقتنم بوزجانی در کتاب حاضر است.

این کتاب با همه ارجمندی ها قریب به نیم قرن پیش (سال ۱۳۴۵) به کوشش دکتر حشمت مؤید سنندجی رخ نمود و به همت بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. کوشش استاد مؤید سنندجی همچون دیگر یادگار وی در این عرصه (= تصحیح مقامات ژنده پیل) شایسته ستایش و احترام است. ایشان در شکر و سُکر اینکه به نسخه ای یگانه از روضة الريحان دست یافته بودند با دقت و علاقه اقدام به چاپ آن نمودند. البته آن کوشش خالی از کاستی ها و نیز حذف های خود خواسته نبود، کاستی به جهت اینکه ایشان یک نسخه در اختیار داشتند آنهم بسا سقیم و معیوب، و حذف ها نیز به عذر و تصور اینکه بعضی مطالب آن شامل اطلاع تازه ای نیست.^۱

به هر حال، کوشش و تشخیص دکتر مؤید سنندجی از یادگارهای ماندگار و قابل احترام در عرصه «شیخ جام پژوهی» به شمار می رود و این قلم در تصحیح حاضر - علاوه بر تصویر نسخه مذکور - از تصحیح و نگاه ایشان نیز بهره برده است.

اما از خوش اقبالی های این قلم آن بود که به یمن سال ها همجواری با آرامگاه شیخ جام و انس با آثار شیخ و مراوده با اعقاب و ارادتمندان وی، به نسخه ای خاندانی و شخصی از روضة الريحان دسترسی یافتیم. - این خوش اقبالی و توفیق را مدیون حُسن نظر و اعتماد روانشاد «رضی الدین جامی» هستم، پیری با محبت و فرهنگ دوست که تا بود منشأ خیر و خدمت برای جامی ها بود. - این نسخه مقتنم، نسخه ای کامل و بسامان و منسجم بود و رخ نمایی آن انگیزه اصلی این تصحیح گردید. با این نسخه و مقابله آن، بسیاری از ابهامات و افتادگی های نسخه مورد نظر استاد مؤید سنندجی مرتفع گردید و کتاب روضة الريحان صورتی کامل تر و بسامان تر یافت.

۱. این نکته را ایشان در مقدمه کتاب چنین متذکر گردیده اند: «چاپ مقدمه کتاب نظر به فساد فوق العاده نسخه و پارگی های فراوان هم دشوار است و هم مفید اطلاع تازه ای نیست» (ص ۱۶). ایشان در متن تصحیح از مقدمه ده برگ (بیست صفحه ای) کتاب فقط به ذکر صفحه فهرست مقصدها و فصل ها اکتفا نموده اند و در دیگر برگ ها نیز گاه به حذف های زیاد و ساختاری برمی خوریم. (ر.ف: صص ۳۰ - ۳۳، مصحح محترم از برگ ۱۷ نسخه ناگهان به برگ ۲۲ و سپس به برگ های ۲۴، ۳۰، ۳۶ و ۳۹ رفته اند!).

در این تصحیح:

الف. سعی گردیده ساختار و مطالب کتاب کاملاً حفظ گردد و هیچ بخش و مطلبی از آن حذف نشود و تماماً آنچه باشد که بوزجانی بنا به سبک و تشخیص خود ذکر کرده.

ب. در منابع و متون عصر مؤلف به احوال صاحب‌نامان دیگری از خاندان شیخ جام بر می‌خوریم که بوزجانی - بنا به هر دلیلی - ذکر و نامی از آنان را در اثر خود نیاورده است. در بخش «ملحقات» با توجه و ارجاع به منابع دیگر به ذکر احوال این گروه اندک شمار نیز پرداخته شده تا کتاب حاضر در بخش خاندانی شیخ جام تا عصر مؤلف جامع‌تر و غنی‌تر باشد و امیدوارم موردنظر و بهره‌پژوهشگران و علاقه‌مندان نیز قرار گیرد.

ج. در بخش «تعلیقات و توضیحات» سعی شده علاوه بر توضیح اعلام، عبارات و اصطلاحات خاص و نادر، به مأخذیابی مطالب نیز توجه شود و کوشش گردیده مأخذ تمامی اقوال، حکایات و کراماتی که مؤلف از آثار خاندانی و خانقاهی شیخ و دیگران آورده به استناد و ارجاع پیش روی خواننده قرار گیرد؛ امیدوارم خواننده خواهنده بتواند با احاطه و اشراف بیشتری از مطالب و اشارات کتاب بهره‌یاب گردد.

نهایتاً، آرزوی این قلم آن بوده که بتواند در حوزه شناخت آثار و احوال یکی از مفاخر ادب و عرفان خراسان - و بلکه ایران - قدمی بردارد، و خداوند را شاکرم که اکنون «روضة الراحین» - چه نام زیبایی! - به ثمر نشسته و خواننده را به گلگشت و گشت و گذار در خود می‌خواند.

اوّل دفتر روضة الراحین را به پایان می‌برم با یادی و سپاسی:

- یاد می‌نمایم به نیکنامی از نیک‌سیرتی زنده‌یاد رضی‌الدین جامی که با اخلاص و محبت نسخه شخصی و خاندانی این کتاب را در اختیارم نهادند؛ کاش می‌بودند و حاصل آن مساعدت و معاضدت را می‌دیدند. - یادش گرامی.

- سپاسگزارم از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که به حسن نظر نشر این کتاب را همچون دیگر آثار این حوزه با گشاده‌رویی پذیرفتند.

و حوّل حالنا إلى أحسن الحال

فروردین ۱۳۹۶، جوار تربت شیخ جام / تربت جام

حسن نصیری جامی

مقدمه

درباره مؤلف کتاب

اطلاعات ما درباره زندگی و احوال درویش علی بوزجانی بسیار اندک است و همین اندک نیز حاصل اشاره‌های کوتاه وی در کتاب حاضر است.

نام وی «درویش علی» و نسبتش «بوزجانی» است (کتاب حاضر، ۴)؛ بوزجان یکی از آبادی‌های کهن و دیرپای ناحیه جام به شمار می‌آید و پیش از حضور شیخ جام در معدآباد و شکل‌گیری تربت جام، این آبادی کرسی و مرکز ناحیه جام به شمار می‌آمده است.

این آبادی در تاریخ خراسان دارای نام و آوازه است و بزرگانی همچون ابومنصور احمد بن محمد بوزجانی (م ۳۸۶)، ابوالحسن محمد بن حسن بوزجانی (م ۳۲۸)، ابوالوفای بوزجانی (۳۲۸ - ۳۸۸) ریاضی‌دان و منجم مشهور قرن چهارم و شیخ ابوذر بوزجانی (م ۳۸۷) از این کهن آبادی برخاسته‌اند و بنا به پژوهش‌های اخیر، مدارس کرامیه خراسان در قرن‌های چهارم و پنجم در بوزجان پُر رونق بوده است.

بدون شک درویش علی بوزجانی نیز در شمار مفاخر و ادیبانی است که از این حوزه علم و ادب و عرفان برخاسته است. درویش علی بیشتر عمر و حضور علمی و معنوی خود را در جوار آرامگاه شیخ جام (تربت جام) گذرانیده و در شمار «مجاوران و جاروب‌کشان» و خادمان آن آستان بوده؛ وی غالب آثار خود را در معنویت جوار آرامگاه شیخ تألیف نموده و شاهد بعضی از رخدادهای معنوی آن آستان نیز بوده است. (ر.ف: ص ۱۲۶ کتاب حاضر)

درویش علی از گرایش‌های عرفانی و فرقه‌های تصوف عصر نیز به دور نبوده است. بنا به اشارات و دلالت‌های کتاب حاضر، وی به مهم‌ترین فرقه تصوف عصر خویش، نقشبندیه گرایش داشته و از مشایخ نقشبندیه با اعزاز و احترام یاد کرده است؛ از جمله در کتاب حاضر

بیست - روضة الراحین

دوبار (صص ۱۵ و ۱۷۸) تکریماً و مکرراً آیاتی از خواجه بهاء الدین نقشبند در علامت اولیاء الله ذکر کرده است.

از نظر ارادت و سلسله طریقت نیز به تأکیدی که در پایان کتاب می بینیم وی خود را «از جمله چاکران و مریدان ... خواجه عزیز الله» (ص ۱۸۳) معرفی نموده است.

خواجه عزیز الله از مریدان خواجه احرار و از پیران و بزرگان نقشبندی عصر به شمار می آمده و در منزلت و جایگاه وی همین بس که بر جنازه عبدالرحمان جامی نماز خوانده (ر.ف: خمسة المتحیرین، ۴۱) و در سلك طریقت نقشبندیه در این بخش خراسان پس از عبدالرحمان جامی محل رجوع و احترام بوده است.

درویش علی بوزجانی بر این ارادت و جایگاه مرادش مریدانه و باورمندانه تأکید داشته، آنگونه که حتی غرض اصلی تألیف کتاب حاضر را ذکر جمیل محامد مراد خود، خواجه عزیز الله آورده است:

«گویا غرض اصلی از تألیف این کتاب ذکر محامد و فضایل آن خلاصه اولی الالباب است که از مناقب شمایل و خصایل آن بزرگوار هنوز کسی شمه ای در قید کتابت نیاورده بود.» (ص ۱۸۳)

بنابراین، نسب سلسله و طریقت درویش علی بوزجانی از طریق خواجه عزیز الله به واسطه دیگر مشایخ و بزرگان نقشبندیه - از جمله: سعدالدین کاشغری (م ۸۶۰)، علاء الدین عطار (م ۸۲۰) - به سر سلسله طریقت نقشبندیه، خواجه بهاء الدین نقشبند (م ۷۹۱) می رسد.

سال فوت درویش علی بوزجانی دقیقاً مشخص نیست. گذشته از اینکه تا سال ۹۲۹ هجری - سال تألیف کتاب حاضر - حیات داشته است، بنا به نسخه ای که اخیراً از دیگر آثارش به دست آمده وی آن را در ماه رجب سال ۹۴۵ هجری بر سر تربت شیخ جام و به جهت تحفه به فرزندان شیخ نگاشته است. (ر.ف: صفحات آتی، آثار بوزجانی: احادیث اربعین)

بنابراین، بوزجانی محققاً تا ماه رجب ۹۴۵ هجری زنده بوده است.

آثار بوزجانی

مسلماً وی از مردان و مریدانِ دانشی و اهلِ فضلِ خانقاه و آستانِ شیخِ جام به شمار می‌آمده است و بنا به دانش و فضلِ خویش آثاری در حوزهٔ عرفان و طریقت و غالباً دربارهٔ شناخت احوالِ شیخِ جام و فرزندانِ وی - از خود به یادگار گذاشته است.

غالب آثار بوزجانی هنوز چاپ و نشر نگردیده و آنچه از آثار وی بر خواهیم شمرد بنا به نسخه‌ها و دست‌نوشته‌هایی است که در فهرست‌های تُسخ به این شرح گزارش شده است:

۱. روضة الراحین

(کتاب حاضر، در صفحات آتی به تفصیل خواهیم پرداخت.)

۲. خزاین الاسرار

کتابی است به فارسی، در تحقیق مشاربِ عرفانی و در معرفتِ ذات و صفات و افعالِ حق این کتاب دارای یک مقدمه و بیست و هشت مقصد است و نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ بنیاد خاورشناسی شهر دوشنبه ضمن مجموعه‌ای به شماره ۱۶۰۸ نگهداری می‌شود.

۳. احادیث اربعین

این کتاب نیز به فارسی است و بوزجانی آن را در ماه رجب سال ۹۴۵ هجری بر سر تربت شیخ جام و به جهت تحفه برای فرزندانِ شیخ جام نگاشته است. نسخه‌ای از این کتاب در بنیاد خاورشناسی شهر دوشنبه ضمن مجموعه‌ای - به همراه خزاین الاسرار وی - به شماره ۱۶۰۸۰ نگهداری می‌شود.

۴. مناقب شیخ جام

بوزجانی این کتاب را بنا به ارادت خویش در تکریم و تعظیم و شرح احوال شیخ جام و فرزندان وی در آغاز ماه رجب سال ۹۲۹ هجری نگاشته است. ناگفته نماند که بوزجانی در همین سال روضة الراحین را نیز تألیف نموده. نگارنده به این اثر بوزجانی دسترسی نیافت و با همهٔ ریزنی‌هایی که گردید نشان و تصویری از این نسخه به دست نیامد؛ گمان می‌رود این نسخه بی‌ارتباط با کتاب روضة الراحین نباشد، شاید نسخه‌ای دیگر و یا فصل و مقصدی خاص از این کتاب باشد. نسخه‌ای از این اثر در شهر تاشکند در کتابخانهٔ بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم (ابوریحان بیرونی) به شماره ۸۶۳ ثبت گردیده است. این نسخه در ماه صفر ۱۲۴۱ در محمودآباد جام به قلم شکرالله ملانی باخرزی برای مخدوم و مرشد خود درویش سربلند، مرید پیر کبیر کتابت گردیده است.

۵. رساله در شرح ایات احمدجام

این رسالهٔ موجز ضمن تأیید و تأکیدی بر وجه شاعری شیخ جام و اشعار مسلّم‌الصدور وی است، می‌تواند نشانی دیگر از کوشش‌های ارادت‌آمیز بوزجانی نسبت به معرفی آثار و افکار شیخ جام باشد. دکتر عارف نوشاهی ضمن مقاله‌ای ارجمند به این اثر بوزجانی اشاره داشته است. (ر.ف: درویش علی بوزجانی، یکی از سیره‌نویسان خاندان احمدجام، مقالات عارف (دفتر اول)، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱)

۶. رشحات القدس فی شرح نفحات الانس

این کتاب همانگونه که از نامش پیداست، شرحی است که بوزجانی بر نفحات الانس عبدالرحمان جامی نگاشته. وی در مقدمهٔ این تألیف نوشته است:

«چون اطلاع بر کشف دقایق معنویه و حل کلمات و ایات عربیهٔ کتاب نفحات هر کس را به سهولت دست نمی‌داد لاجرم هر لحظه احتیاج می‌شد به ملاحظهٔ حاشیه‌ای که مولانا عبدالغفور [لاری] بر آن کتاب تعلیق کرده و اکثر مشکلات آن را در حاشیه بیان فرموده، و چون کتاب و حاشیه هر یک علی‌حده در مجلّدی بود به خاطر فاطر می‌رسید که کتاب و حاشیه به هم ممزوج شود و هر شبهه به شرح خود ملاقی گردد.»

آثار بوزجانی - بیست و سه

بنابراین، بوزجانی در رشحات القدس با بهره از حواشی و شرح لاری بر نفحات گامی بیشتر و فراخ دامن تر در «کشف دقایق معنویه و حل کلمات و اییات عربیه کتاب نفحات» برداشته است. از نکات قابل توجه در این تألیف بوزجانی آن است که وی از حروف اختصاری (کُد واژه) به صورت مصطلح امروز بهره جسته است که در نوع و زمان خود کم نظیر و جالب است؛ وی علامت متن کتاب را «م» نهاده و نشانه حواشی منقول از مصنف را «مص» و نشانه حاشیه عبدالغفور لاری را «ح» و آنچه خود بر آنها افزوده را با نشان «ش» مشخص نموده است.

تاکنون نسخه‌ای کامل از این اثر به دست نیامده است. نیمه اول نسخه خطی آن (از آغاز نفحات تا پایان شرح حال شیخ ابوالقاسم بشر یاسین) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۹۶۳ موجود است.

بخش بدیع این شرح، گزارش احوال پنجاه و پنج تن از مریدان و بازماندگان شیخ احمدجام است که بوزجانی به قلم خود بر متن افزوده است.

درباره این کتاب

روضة الراحين مهم‌ترین و مشهورترین اثر بوزجانی به شمار می‌رود و تنها اثری است که از وی تاکنون منتشر گردیده است. اولین کسی که از این نوشته بوزجانی - بدون ذکر نام آن - یاد کرده نیکولای خانیکف (۱۸۲۲ - ۱۸۷۸) خاورشناس روسی است که در سفرنامه‌اش به جام این کتاب را دیده و آن را از نظر اطلاعات درباره زندگی شخصی شیخ جام بسیار غنی دانسته است (ر.ف: سفرنامه خانیکف، ۱۲۸). احتمالاً نسخه‌ای که خانیکف در سفر به جام دیده همان نسخه مبنای تصحیح استاد حشمت مؤید سنندجی است که ایشان نیز در سال ۱۳۴۳ در سفر به جام به این نسخه دست یافته‌اند و در سال ۱۳۴۵ اقدام به نشر آن نموده‌اند. نام این کتاب یادآور کتاب «روض الراحين»^۱ عبدالله بن اسعد یافعی (۶۹۸ - ۷۸۶) است. یافعی آن کتاب را به عربی و در شرح احوال عارفان و بزرگان تصوف نوشته است؛ اما بوزجانی در کتاب حاضر منحصراً زندگی و احوال شیخ جام و فرزندان و اعقاب وی را در نظر داشته است.

ناگفته نماند که در ابتدا هدف بوزجانی از تألیف این کتاب پرداختن به محامد و فضایل مرادش خواجه عزیزالله (م ۹۰۲ هجری)، از اولاد و احفاد نامدار شیخ جام بوده است: «گویا غرض اصلی از تألیف این کتاب ذکر محامد و فضایل آن خلاصه اولوالباب است که از مناقب و شمایل و خصایل آن بزرگوار هنوز کسی شمه‌ای

۱. نام کامل کتاب «روض الراحين فی حکایات الصالحين» است. این کتاب در شرح احوال پانصد تن از اولیاء و مشایخ تصوف به زبان عربی نگاشته شده است. روض الراحين یافعی در سال ۲۰۰۴ م در قاهره، مکتبه زهران منتشر گردیده است.

درباره کتاب روضة الرياحين - بیست و پنج

در قید کتابت نیاورده بود؛ و این فقیر می‌خواست که رساله‌ای مخصوص به ذکر حالات و مقامات و کرامات که از حضرت ارشاد پناهی به رأی العین مشاهده کرده تصنیف نماید. بعدالاستشاره به جمعی از مخادیم کرام فرمودند که اگر ذکر اولاد صُلَبی حضرت شیخ الاسلام را با چندی دیگر از احفاد کرام، زینت رساله می‌کنی شاید. و این فقیر انگشت قبول بر دیده نهاد. (کتاب حاضر، ۱۸۳)

بنابراین، بوزجانی در ابتدای تألیف روضة الرياحين تیتی دیگر داشته و نهایتاً آنچه در مقدمه (دیباچه) کتاب می‌خوانیم گویای موضوع و هدف نهایی کتاب است:

«این کتابی است در ذکر مقامات و بیان کرامات و خوارق عادات که به ظهور رسیده از حضرت شیخ الاسلام ... احمد الجامی، در شرح فضایل و حالات و کرامات اولاد ولایت مرتبت، صُلَبیّه آن حضرت و احفاد نجیب ...» (ص ۴)

این کتاب از نظر ساختار دارای یک مقدمه و سه مقصد به این شرح بوده است:

- مقدمه‌ای در چهار فصل:

فصل اول، در بیان حاجت به صحبت پیران کامل

فصل دوم، در بیان معنی کرامات و اقسام آن

فصل سوم، در بیان معنی ولی و ولایت و علامت آن

فصل چهارم، در بیان اوصاف وی

- مقصد اول: در بیان حالات و مقامات و خوارق عادات و کرامات شیخ جام

- مقصد دوم: در شرح احوال و حالات و مقامات فرزندان و فرزندزادگان شیخ

- مقصد سوم: در بیان نسبت‌ها و نسب‌های اولاد و احفاد شیخ.

از این ترتیب و ساختار که بوزجانی در دیباچه کتاب (ص ۴) آورده، مقصد سوم در هیچ یک از نسخه‌های موجود به چشم نمی‌خورد و عنوان و موضوع آن نیز مبهم است و در نوشته‌های خاندانی شیخ جام به چنین نگاه و موضوعی بر نمی‌خوریم. استاد مؤید سندجی نیز به این ابهام و فقدان مقصد سوم در مقدمه تصحیح خویش (ص ۱۶) چنین اشاره داشته‌اند که «معلوم نیست میان مطالب مقصد سوم و مقصد دوم چه تفاوتی وجود داشته است. به هر جهت، این مقصد سوم فعلاً وجود خارجی ندارد و شاید در اصل هم تألیف نشده باشد.»

به احتمال بسیار، بوزجانی در مقصد سوم می‌خواسته نَسَب‌نامه‌ای به مانند تبارنامه‌ها و نَسَب‌نامه‌های مشهور (از جمله: «الانساب» سمعانی و «سیرالانساب» ابونصر بخاری) تدوین نماید و که البته مقصد دوم را می‌توان در شمار همان نَسَب‌نامه‌های دودمانی به شمار آورد.

ناگفته نماند که بوزجانی به بعضی از معاصرین خود که در شمار فرزندان زادگان شیخ بوده‌اند اشاره‌ای نداشته و یا کمتر به آنها پرداخته. ما در کتاب حاضر، در بخش ملحقات (ضمیمه دوم، صص ۲۰۵ - ۲۱۰) بنا به کتاب حبیب‌السیر - که در سال ۹۳۰ هجری، یک سال بعد از کتاب حاضر تألیف شده - نام و احوال دوازده تن از این فرزندان زادگان را آورده‌ایم. بعضی از آنان کسانی‌اند که مسلماً بوزجانی با آنان آشنا بوده و از فضل و هنر آنان باخبر بوده، از جمله «یوسف اهل» مؤلف کتاب «فرائد غیائی». خواند میر از وی به نام «خواجه یوسف برهان» یاد نموده و از مصنفات و ترسّلات زیبا و ماهرانه وی تمجید نموده است.

احتمالاً در ابتدا و طرح اولیه کتاب، بوزجانی قصد داشته در بخش و مقصد سوم به این گروه از افاضل معاصر پردازد ولی بعداً از نگارش چنین فصل و مقصدی - به هر سبب - منصرف گشته و به معاصرین و شرح نسبت‌های اولاد شیخ پرداخته (که البته تنگناها و دغدغه‌های مؤلف نسبت به معاصرینش می‌تواند قابل درک باشد) و یا شاید اساساً این مقصد را نگاشته ولی نسخه‌ای از آن تاکنون در جایی دیده نشده است.

به هر حال، کتاب حاضر اکنون دارای یک مقدمه و دو مقصد است؛ مقصدی در احوال و مقامات شیخ جام، و مقصدی در احوال فرزندان وی. اما نکته جالب توجه در ساختار مقصد‌های کتاب آن است که مؤلف برای هر مقصد، مقدمه و خاتمه‌ای آورده، و این نکته بیانگر آن است که بوزجانی هر مقصد را اساساً در هیأت کتابی مستقل تدبیر کرده است.

بوزجانی به این قصد و تدبیر خود در خاتمه مقصد اول چنین اشاره نموده:

«چون هر مقصد از این مقاصد ثلاثه به مثابه کتابی است علی‌حده، هر یک را از آن مقصد مصدر به تحمید و تمجید نمود و خطبه و دیباچه دیگری ترتیب داد تا هر کس خواهد همه را با هم نویسد، و هر که خواهد هر مقصدی را جدا جدا
تحریر نماید.» (ص ۹۴)

درباره کتاب روضة الراحين - بیست و هفت

البته این تدبیر و اهتمام بوزجانی خالی از اشکال نیست؛ اول آنکه هر کاتبی با این نگاه می توانسته بخش و مقصدی خاص را به سلیقه خود انتخاب یا حذف نماید. در صورت انتخاب، آن می شود که یک مقصد در هیأت یک کتاب مستقل روی می نماید که گویا فارغ از این تألیف بوزجانی است و اثری مستقل شناخته می شود با نامی مستقل، که احتمالاً چنین نیز شده و شاید اثری به نام «مناقب شیخ جام» (نگهداری در کتابخانه ابوریحان بیرونی تاشکند) بخشی از روضة الراحين باشد. - نگارنده به این نسخه دست نیافت. -

و از دیگر سو، ممکن است کاتب دیگری بخش و مقصدی را از ساختار کتاب حذف نماید که اگر بپذیریم بوزجانی تمامی سه مقصد کتاب را نگاشته و از تألیف مقصد سوم منصرف نگردیده، این احتمال می رود که کاتب (کاتبان) به سلیقه خود و بنا به همین نگاه و تدبیر مؤلف، مقصد سوم کتاب را حذف نموده اند و از تحریر و کتابت آن روی برتافته اند و اکنون جزئی از ساختار کتاب - که می توانست منسجم باشد - از دست رفته است.

دیگر اشکال ساختار در این نگاه و تدبیر مؤلف همانا تکرار مباحث و حکایات است. از آنجا که بوزجانی هر مقصد را در احتمال کتاب و رساله ای مستقل تدوین و تدبیر نموده، به بعضی از حکایات برمی خوریم که در مقصد اول و دوم مشترک است و به عبارتی، عنصر تکرار ملال آور در ساختار کلی کتاب دیده می شود. مثلاً، حکایت «سفر شیخ جام به حجاز» در مقصد اول (ص ۷۵) ذکر شده و دیگر بار همین حکایت در مقصد دوم (ص ۱۱۷) ضمن ذکر احوال جمال الدین ابوالفتح، فرزند شیخ تکرار شده است. همچنین حکایت «بازشدن در خانه کعبه به روی شیخ» در مقصد اول (ص ۷۶) ذکر شده و دیگر بار در مقصد دوم (ص ۱۰۰) عیناً به تکرار آمده است؛ همچنین ر.ف: صص ۲۹ و ۱۰۶.

به هر حال، این تدبیر و اهتمام بوزجانی اگرچه در نگاه اول منطقی و زیبا و بدیع می نماید ولی طبعاً بدون اشکال نیست و به ساختار و انسجام کلی کتاب لطمه زده است.

- دلایل اهمیت روضة الراحین:

جز این مطالب ساختاری، روضة الراحین می تواند از جهات زیر دارای اهمیت باشد:

۱. این کتاب نهایی ترین اثر خاندانی شیخ است که درباره کرامات و احوال شیخ و فرزندان وی تألیف گردیده است و پس از روضة الراحین دیگر اثری درباره احوال و آثار این خاندان - جز پژوهش های دوره معاصر - تألیف نگردیده است و نهایی ترین اطلاعات مستند ما درباره این خاندان منحصر به کتاب حاضر است.

۲. در بین مقامات های موجود درباره شیخ جام، روضة الراحین تنها اثری است که در ذکر اوایل حال شیخ و مستنداً به آثار و اقوال وی توجه داشته است. در هیچ یک از آثار شیخ به داستان های اوایل حال و دگرگونی روحی (توبه) مشهور وی بر نمی خوریم؛ آنچه اکنون درباره احوال شیخ - به استناد آثار وی - مستنداً پیش روی ماست دو واقعه از اوایل حال است که در باب دوم کتاب «بحارالحقیقه» ذکر شده. این دو واقعه در شمار واقعی ترین داستان ها از احوال شیخ پیش از تحوّل روحی به شمار می رود؛ روایت هایی مغتنم و صادقانه از دل بستگی های شیخ در دوران جوانی. (ر.ف: بحارالحقیقه، ۳۷ - ۳۹)

از بین مقامات نگاران شیخ فقط بوزجانی به این بخش از آثار شیخ و قول مستند وی اشاره داشته است، آنهم به یکی از وقایع و به صورت موجز:

«در عنفوان شباب خاطر وی را به مستوره ای صاحب جمال تعلق واقع شده بود و مدتی در عشق وی بی قرار بود، و شب ها تا صبح در کوی وی بیدار بودی و اما در کتمان و عفت می کوشیدی، تا قرب سه سال؛ آنگاه عشق غالب گشته و ظاهر شده، و مدت پنج سال در دوستی آن مستوره ماند که یک نفس بی یاد او دم نمی زد.» (کتاب حاضر، ۳۵)

همین صورت موجز در هیاهوی داستان پردازی و کرامت آفرینی های مقامات نویسان غنیمت است و به تعبیری خلاف آمد عادات آنان به شمار می رود.

۳. تنها اثری است که در بخش خاندانی شیخ جام (فرزندان و اعقاب وی) اطلاعاتی مغتنم و تقریباً جامع ارائه می دهد.

درباره کتاب روضة الريحان - بیست و نه

بوزجانی در مقصد دوم به ذکر احوال سی و هشت تن از فرزندان و نوادگان شیخ جام پرداخته است و در ضمن حکایات و شرح حال‌ها به نام و احوال دختران شیخ (ص ۱۰۶) و بانوی صاحب نام خانقاهی و نواده دانشی شیخ، هبةالرحمان (ص ۱۳۴) برمی‌خوریم. این حجم و جمع اطلاعات خاندانی شیخ در هیچ‌یک از مقامات‌های شیخ جام دیده نمی‌شود و از این منظر نیز روضة الريحان بی‌بدیل است.

۴. در پایان مقصد اول کتاب حاضر به ذکر احوال دوازده تن از مریدان و اصحاب خانقاهی شیخ جام برمی‌خوریم که مؤلف بنا به حکایات و کرامات شیخ آنان را محور و موضوع ذکر قرار داده و به شأن و جایگاه خانقاهی آنان و مرتبه ارتباط و ارادت آنان به شیخ جام پرداخته است. این بخش نیز از جهت شناخت مریدان صاحب‌نام خانقاهی شیخ می‌تواند مفید باشد گو اینکه غالب آنان در دیگر آثار تاریخی و رجالی عصر شناخته شده و قابل احراز نیستند و تنها در گستره حکایات و کرامات شیخ صاحب نام و آوازه گشته‌اند.

۵. در روضة الريحان به اطلاعات و باورهای تازه و منسجم در حوزه نظام خانقاهی شیخ جام برمی‌خوریم که به گذر زمان شکل یافته و در شمار میراث معنوی و خانقاهی در بین فرزندان و اعقاب مطرح گردیده است. مهمترین نکته از این منظر همانا مسأله «خرقه شیخ جام» و باورهای مطرح درباره آن است.

هر چند در مقامات ژنده پیل (صص ۱۹۳ - ۱۹۵) به «داستان ابوسعید ابوالخیر و خرقه او که به احمد رسید» برمی‌خوریم و ابوالمکارم جامی نیز در خلاصة المقامات (ص ۱۹-۲۰) یک باب را به «خرقه و پیران شیخ» اختصاص داده ولی در هر دوی این مقامات‌ها به «کسب» و «تبار» این خرقه پرداخته شده است. غزنوی خرقه را ضمن حکایتی از ابوسعید به ژنده پیل رسانیده و ابوالمکارم برای آن از طریق ابوسعید، تبار و نسب‌نامه‌ای آورده اما بوزجانی ضمن اینکه در مقصد اول به «ذکر خرقه شیخ الاسلام» پرداخته با توجه به حکایت‌ها و باورهای خانقاهی خویش، دو خرقه برای شیخ جام قائل گردیده و دو روایت متفاوت برای آن ذکر کرده است. (ر.ف: صص ۳۲ - ۳۴)

علاوه بر آن، بوزجانی درباره سرنوشت خرقه شیخ نیز اطلاعاتی مغتنم - بر مبنای باورهای خانقاهی - فرا روی خواننده قرار می‌دهد؛ اینکه آن خرقه به تبرک به چهارده

پاره گردید و یکی از فرزندان پیراهن شیخ را خرقة خویش نمود (ر.ف: ص ۳۳) و آن خرقة در دست کدام اولاد شیخ و در چه ناحیه‌ای به یادگار مانده است. (ر.ف: ص ۱۲۲).

۶. در کتاب حاضر تمایل بوزجانی به رعایت دقت و استناد در ذکر حکایات و واقعات مشهود است. اساساً مهمترین تفاوت این مقامات شیخ با مقامات‌های قبل از خود آن است که نویسنده کوشیده است در ذکر احوال به جنبه عقلانی و باورپذیری و حتی الامکان استنادهای تاریخی بیشتر توجه نماید. در این اثر به حکایاتی برمی‌خوریم که غالباً جنبه تاریخی و مستند دارند؛ از جمله حکایت «نوروز بیک بن ارغون» (ص ۱۲۵ و نیز ر.ف: تعلیقات و توضیحات مربوط به این صفحه) و همچنین تحصیل و حضور برهان‌الدین نصر، فرزند شیخ در قطمیران (ص ۱۰۸) و نیز حضور دیگر فرزند شیخ در قطمیران و نکاح با دختر یکی از دولتمردان عصر (ص ۱۲۷).

تمامی این حکایات و استنادها در حوزه احوال فرزندان شیخ قرار می‌گیرند و طبعاً بوزجانی در ذکر احوال آنان به حکایات و روایاتی تاریخی توجه داشته و به مانند سدیدالدین غزنوی در مقامات ژنده‌پیل رویکردی بر مبنای خرق عادت و اعجاب‌آفرینی و شگفتی‌نمایی نداشته. ابوالمکارم جامی نیز در فصل نوآورده خویش (= فصل در کرامات شیخ الاسلام قطب‌الدین محمد، صص ۹۵ - ۱۰۱) تمایل به این وجه استنادی و تاریخی داشته است.

بنابراین، اگر بگوئیم سیرِ نقلِ مقامات و حکایات احوال شیخ جام و خاندان وی از شگفت‌آفرینی و باورگریزی به سوی باورپذیری و سازگاری تاریخی بوده است سخنی گزافه نخواهد بود.

ناگفته نماند که در بعضی وقایع و استندهای مقصد دوم درباره نوادگان و احفاد شیخ جام، به سبب قرب زمانی روایت‌هایی عینی از مؤلف ذکر گردیده، در این روایات مستنداً شخص مؤلف شاهد و گواه بعضی وقایع بوده است (از جمله ر.ف: ص ۱۲۶ و نیز غالب حکایات ذکر خواجه عزیرالله، مراد مؤلف، صص ۱۷۵ - ۱۸۲).

بوزجانی در تألیف روضة الرياحین از روایات و منقولات افواهی معاصرین خود درباره شیخ نیز غافل نبوده است و در بعضی موارد مشخصاً از روایات افواهی ارادت‌مندان

درباره کتاب روضة الراحين - سی و یک

شیخ بهره برده است. این روایات افواهی اساساً به دو بخش عمده تقسیم می‌شود و از دو منظر نیز قابل توجه است، اول روایات و حکایات افواهی درباره احوال و کرامات شیخ و دیگر روایات افواهی درباره فرزندان و نوادگان شیخ.

دسته اول از این نظر مهم است که با گذشت «قریب به چهارصد سال پس از فوت شیخ» (ص ۱۰۰) چه روایات و حکایاتی تازه - فارغ از مقامات‌های موجود - درباره شیخ جام در بین مریدان و ارادتمندان وی رواج و شهرت داشته. طبعاً این روایات افواهی بیشتر در مقصد اول به چشم می‌خورد، از جمله در «ذکر ساکن شدن شیخ الاسلام به معدآبادجام» (ص ۵۶) به روایتی افواهی و مشهور در این باره برمی‌خوریم که مؤلف با عبارت «مشهور است که ...» نقل نموده و پیداست که از روایات افواهی و مشهور در بین ارادتمندان شیخ بهره برده؛ همچنین است در ذکر «اهلا و سهلاى سرخسى» (صص ۸۶ - ۸۷) از عقلای مجانبین و مجذوبان و مریدان شیخ جام.

لازم به یادآوری است که اساساً در مقامات ژنده‌پیل (ص ۸۸) و خلاصة المقامات (ص ۸۶) فقط به نام یک تن از این مجذوبان (سهلا) برمی‌خوریم و در منابع پیشین نامی از «اهلا» نیست. قطعاً این شخص آفریده ذهن عامه مریدان و ارادتمندان شیخ است که به گذر زمان برای اعجاب آفرینی بیشتر در افواه رایج گردیده و بوزجانی آن روایت‌های افواهی را در ذکری مستقل نقل و ثبت نموده است.

گروه دیگر از روایت‌های افواهی مربوط است به زندگی و احوال فرزندان شیخ جام. این روایت‌ها پس از کتابی مفقوده به نام «مقامات الاولاد»، تنها منبع و مأخذ مؤلف در نقل و ذکر احوال بوده است. مسلماً مؤلف با پیران و کهنسالان این سامان مجالست و مصاحبت داشته و طبعاً از یادها و خاطره‌ها و نقل‌های آنان در ثبت احوال نوادگان و فرزندان شیخ بهره برده است. این وجه کوشش بوزجانی در ثبت و ضبط روایات افواهی درباره احوال فرزندان و نوادگان شیخ سبب شده است که روضة الراحين اکنون به عنوان اثری ممتاز در حوزه پژوهش‌های خاندانی شیخ جام به شمار آید.

۷. روضة الراحين می‌تواند منبع و مأخذی مغتنم در نقل اشعار خاندانی شیخ به شمار آید. بوزجانی در ضمن شرح احوال فرزندان و نوادگان شیخ در مقصد دوم به پاره‌ای از اشعار

آنان - آن گروه که دارای ذوق شعری بوده‌اند - اشاره داشته است. در این کتاب قریب به شصت بیت از خاندان شیخ جام نقل گردیده؛ ایاتی از قطب‌الدین محمد بن مطهر (۱۶ بیت / صص ۱۴۵ و ۱۴۹)، خواجه مختار (۲ بیت / ص ۱۳۸)، شهاب‌الدین اسماعیل (۶ بیت / ص ۱۳۲)، رضی‌الدین احمد (۴ بیت / ص ۱۳۳)، ضیاء‌الدین یوسف (۵ بیت / ص ۱۲۳)، شرف‌الدین عبدالکریم (۵ بیت / ۱۳۶)، ظهیر‌الدین عیسی (۴ بیت / ص ۱۳۱)، خواجه عزیزالله (۲ بیت / ص ۱۸۲)، هبة‌الرحمان (۱ بیت صص ۱۱۴ و ۱۳۴) و

بنابر این، کتاب حاضر از نظر شناخت اشعار خاندانی شیخ جام نیز مغتنم است و پس از کتاب «حديقة الحقيقة» قطب‌الدین محمد بن مطهر می‌تواند در شمار مهمترین منابع در شناخت ذوق ادبی این خاندان و نیز آشنایی با دغدغه‌های عرفانی و دینی و اجتماعی آنان به شمار آید؛ به ویژه آنکه در روضة الرياحين به اشعار گروهی از این خاندان برمی‌خوریم که اساساً پس از قطب‌الدین محمد بن مطهر زیسته‌اند و این کتاب در حقیقت تنها منبع و مأخذ ما در ذکر و شناخت اشعار آنان است، به مانند آیات باقی مانده از رضی‌الدین احمد، ضیاء‌الدین یوسف، شرف‌الدین عبدالکریم، هبة‌الرحمان و نهایتاً خواجه عزیزالله.

۸. بوزجانی از مقامات‌نگاران و سیره‌نویسان با فضل و ادب قرن دهم - و بالأخص حوزه ادبی و عرفانی خراسان و خانقاه شیخ جام - به شمار می‌رود و برای این مطلب علاوه بر دیگر آثارش، دو گواه روشن به دلالت کتاب حاضر وجود دارد: اول، مقدمه ادیبانه و فاضلانۀ کتاب، و دیگر نوع سبک و بهره‌ها و اشارات ادبی در مقصدهای کتاب.

این دو گستره می‌تواند میزان فضل و ادب بوزجانی را آینگی نماید که مهمترین نمود آن در بهره‌های فراوان و مناسب مؤلف از اقوال و اشعار دیگر عارفان و شاعران است. این نکته بیانگر میزان آشنایی و مطالعه و تسلط مؤلف بر متون عرفانی گذشته و اشعار شاعران سلف خویش است. در دیباچه (مقدمه) کتاب، فضل و میزان دانش مؤلف از بهره‌ها و اشارات وی به خوبی پیداست و در بخش تعلیقات و توضیحات به مأخذ و منابع بوزجانی در نقل هر یک از اقوال و سخنان مشایخ اشاره گردیده است. در مقصدهای کتاب نیز بهره‌ وافر مؤلف از اشعار شاعران پیشین گواه این نکته است. اشعاری از مولانا (ر.ف):